

کاکلدار

در آخرین نسخه افسانه مذکور که در یکی از دستنویس های متعلق به قرن هجدهم بزبان اوزبیک انتشار یافته، گفته شده است که یکی از القاب دیگر سامان خودات "کاکلدار" بوده است. زیرا در قرون وسطی به موهای دراز آویزان در اطراف سرو قسمت عقبی بنام "کاکل" و دارنده آن را "کاکلدار" مینامیدند. (135) لازم به یادآوریست که در ادوار قدیم داشتن همچو مو (کاکل) یکی از مشخصه های هونها (136) و در قرون وسطی مشخصه ترکها بوده (137)

و این مطلب توسط مورخین چینی نیز تائید گردیده است (138)

به همین ترتیب موجودیت آثار متعددی از قبیل مجسمه ها، کتیبه های تاریخی، هیکل ها و غیره آثار

یادگاری دال بر صحت و تائید موضوع دارد. (139) (140) و (141).

[ал-Устурлаби] (129) [Вайништейн, Крюков, 1966, с. 179] [Бичурин, т. 1, с. 167; т. 2, с. 254] [Альбаум 1960: 137, фиг. 11; Альбаум 1975: 30, 31; Esin 1970: fig. 9a, 9b, 10; Рахмонов 2001: 38, 45; fig. 2, 6, 9; Кубарев 2001: 103; Tashbayeva 2001: 194 – 195; Помаскина 1970: 435]

گفتنی است که از افراد دارای گیسوان بافته در کتیبه های استخوان اوراکل، و یا هم در سپر لاک پشتها

(در لاک سنگ پشتها) و استخوانهای حیوانات در عصر Yin "ین"، یا "ین یانگ" Yin Yang

(متعلق به قرون XII – XIII قبل از میلاد) در رابطه به "بربرها" (وحشی) های قبایل "ژون" که

در غرب میزیستند تذکار بعمل آمده است. لذا این مسئله عاری از احتمال نیست که قبیله "ژون" نیز مانند

قبایل دی-دین-لین di, Din-lin " و قبیله "رونگی" – دی Runge-di از جمله قبایل ترکی بوده باشند

لازم به یاد آوریست که مردان "کالمیکی" (قالموقی) حتی در قرن نهم نیز دارای گیسو بوده و بنامهای

kahkül, kekil و kökül نامیده میشدند. (142)

امادر مکوفکه، در قسمت فوقانی سر (تالاق سر) بچه ها دسته موئی را باقی میگذاشتند که بنام "ایدر"

Aydar نامیده میشد.

در عین زمان سغدی ها بر عکس ترکان به ترتیب و تزئین موها پرداخته انرا بشکل تاج درمی آوردند،

(یعنی موهای شانرا دریکجا جمع مینمودند) و تعدادی هم موهای شان را کوتاه و یا هم تراش مینمودند.

[Крюков 1970: 37]. [Ходжаев 2004: 16 – 22]. [Радлов I: 1061, 1065; II: 1224]

[Радлов I: 50]. [МИКК II: 64].

حسب تاکیدات منابع چینائی مالک "کان" (سمرقند) که داماد خاقان ترک شمرده میشد، طبق عنعنه ترکی موهایش را بشکل گیسوان دراز در آورده بود (بافته بود)، در حالیکه اطرافیان‌ش بمنظور تفکیک از ترکان و حکمرانان اکثراً موهای شانرا میتراشیدند. متناسب به آن آرکوک که بنامهای سامان یابگو، و سامان خودات نیز شهرت داشت دقیقاً نماینده "نجیب زاده" های آسیای میانه بود.

در مراحل اولیه قرون وسطی، وادی فرغانه جائیکه محل ابائی ارکوک شمرده میشد منحصیث یگانه محل اختصاصی برای زندگی ترکان پنداشته نمیشد، زیرا آنها (ترکان) در کلیه قسمت های آسیای میانه منجمله قسمت های جنوبی آن سکونت داشته، هسته اساسی باشندگان بومی مناطق متذکره را تشکیل میداد. (143) گفته شده است که مسله فوق نه فقط در آثار متعدد کتبی منعکس گردیده، بل آثار متعدد باستانی (باستان شناسی) هیکل های سنگی و توپونومی غنی ترکی آنزمان نیز حکایه هائی از آن داشته و برصحت آن مهر تائید گذاشته است.

[Бичурин II: 271, 281]. [Камолiddин 2005в: 93 – 101], [Камолiddин 2005 б: 231 – 241], [Маликов 2000; Маликов 1999: 194 – 197], [Смирнова 1963: 32; Смирнова 1981: 5, 53; Бабаяров 2005: 197 – 208], [Гюль 2005: 55 – 88, 124 – 141], [Камолiddин 2005а: 24 – 29].

در قشلاق "نمونه" واقع حومه ترمیز کنونی ولایت سورخان دریا جمهوری اوزبیکستان در جوار مجموعه سلطان سعادت قبوری وجود دارد که متعلق به قرن شانزدهم بوده و بنام "کاکلدار" نامیده میشود. گرچه از تاریخ پیدایش مقبره متذکره که سالون مرکزی آن بمثابه مجموعه یادبود و محل حفظ و نگهداشت آثار متعلق به قدما تخصیص یافته است اطلاعات دقیق و معینی در دسترس نیست. اما طور مطمئن میتوان گفت که در آرامگاه مذکور اعضا خانواده و اجداد اولیه سامان خودات، همچنان عده ای از پسران و نوادگانش مدفون میباشند.

[Аршавская 1982: 86 – 88].

حسب افسانه های موجود، آرکوک یا سامان خودات در آخرین سالهای حیات اش راه دیار پدری یعنی فرغانه در پیش گرفت و در آنجا داعی اجل را لبیک گفت و در همانجا مدفون گردید. چنانچه موجودیت افسانه های مردمی در باره "کاکلدار" تائید کننده منابع تاریخی موجود نیز میباشد. در صفحه پیشروی (صفحه نخست) میدالیون نقره ای که در سال 358 هجری مطابق به سالهای 968-969 میلادی توسط منصور 1 ابن نوح سامانی ضرب زده شد، تصاویر حکمداری بمشاهده میرسد که از قسمت پائینی تاج اش، گیسوان غلو افتاده بر شانه ها بمشاهده میرسد. (زمان فرمانروائی منصور 1 بین

سالهای 350-365 هجری مطابق سالهای 961-976 م) بنا این حدث و گمان که تصویر مندرج در میدالیون مذکور دقیقا سامان خودات و یا هم پدرش جبیه خان بوده باشد بدور از احتمال نمی نماید.

* * *

بدین ترتیب بطور یقین میتوان اذعان داشت که بهرام چوبین برخاسته از میان قبایل اولیه (قدیمی) ترکی و متعلق به آنهاست، قبایلی که شاخه ای از کوشانیها و یا هم ارشاکید های ماساگیتی Arsacid Dynasty میباشد که شامل کنفدریشن سکیف های کوچی آسیای میانه شمرده میشوند، قبایلی که در نیمه دوم قرن سوم قبل از میلاد به حکمروائی سلسله اسکندر مقدونی در سرزمین پارتها خاتمه بخشید.

تعلقات فامیلی بهرام چوبین در ناحیه بلخ جائیکه بعد از توظیف و وروداش بمثابه مرزبان خراسان با مرکزیت بلخ صورت پذیرفت تشکل یافت. علاوه باید نمود که منطقه متذکره الی استیلا عربها کماکان در اختیار چوبین قرارداشت و در قرون وسطی بنام قریه "چوبین" و یا هم چوبین آباد نامیده میشد. بدین ترتیب بهرام چوبین در آخرین روزهای حیات اش قیام مردمی را علیه ساسانیان در حومه بلخ برانگیخت، و در اتحاد با ترکها شهرکتیسیفون مرکز ساسانیان را به تصرف درآورد.

بهرام چوبین با غصب حاکمیت (حاکمیت ساسانیان) بمدت یکسال امور دولت را رهبری نمود، اما متعاقبا در جنگ با قشون بیزانثیه شکست سنگینی را متحمل گردیده اجبارا نزد ترکان پناه آورد. چوبین در آنجا به دوستی و مشاوریت اولین یابگو ترکان تخارستان دست یازید که متعاقبا پروسه متذکره با دوستی با ایل تیگین (پرمودا) خاقان عالی بخارا، زمامداریکه از طرف مادری از جمله اقربا خرمزاد IV (ترک زاده) شهنشاه ساسانی شمرده میشد تداوم یافت. وی متعاقبا با ایل تیگین خاقان عالی بخارا مناسبات خویشاوندی برقرار نموده با دختر وی عقد نکاح بست. بدین ترتیب شهر قبا (فرغانه) منحصی آخرین محل اقامت چوبین گفته شده است، جائیکه به محل اقامت نوادگان ترکی وی مبدل گشت. (نوادگانیکه از ملکه ترکی بدنیا آمده بودند).

در سال 618 بعد از استیلا تخارستان توسط ترکان، تعدادی از آنها دوباره به بلخ عودت نموده به استرداد میراث و جایادهای اجدادی که قبلا متعلق به بهرام چوبین پنداشته میشد پرداختند. گفتنی است که جبیه خان و سامان خودات از زمره نوادگان نسل (پشت، سلسله) چهارم و یا پنجم بهرام چوبین شمرده میشوند. اما درباره رشته های ترکی (تعلقیت ترکی) سامان خودات عقاید و نظریات چندی وجود دارد. اما با قاطعیت میتوان گفت که بعضی از نظریات مذکور دارای محتوا و ارزش معین و قابل توجهی اند. مثلا اظهارات المقدسی (قرن دهم) در باره ترکهای قریه سامان و یا هم نوشته های السامانی (قرن دوازدهم) در باره جبیه خان و تائیدیه وی بمثابه جد سامانیان طی قرون متمادی (قرون دهم تا دوازدهم)،

به همین ترتیب اظهارات البلخی (قرن دوازدهم) در باره بروز سامانیان و برمکیان از قریه ای بنام قریه جبهه خان همه و همه از جمله مسائل ارزشمند و درخور توجه پنداشته میشوند.

گفتنی است که معلومات معینی درباره پدر سامان خودات، در باره سامان یابگو، درباره ارکوک و کاکلدار درگفته ها و نوشته های مورخین بعدی منجمه در نوشته های رشیدالدین، اللوری، مستوفی قزوینی، میرخواند، الاوسترلیبی (سعدیه) واقف نامه اسماعیل سامانی و غیره بقدرکافی وجود دارد. قابل یاد آوریست که اظهارات فوق گرچه دارای روحیه افسانوی اند اما در عین حال منعکس کننده رئال (حقیقت) وقایع بوده و ترسیم کننده شمه حقیقی بیوگرافی و حیات سامان خودات بوده میتواند.

به همین ترتیب اهمیت و صحت منابع تحریری توسط مدارک مستند غیر تحریری منجمه میدالیون مصور منصور ابن نوح (حاوی تصاویر جبهه خان و یا هم سامان خودات)، یعنی تصاویر یکی از اجداد قبل از اسلام سامانیان تائید و تاکید گردیده است.

با قاطعیت مطلق میتوان اذعان داشت که سامان خودات به سلسله اسما فامیلی ایرانی (ایرانی تبار) که در ترکیب سلسله ساسانیان وجود داشت هیچگونه ارتباطی (تعلقیتی) نداشته است، زیرا بهرام چوبین جد عالی وی (سامان خودات) نیز دارای منشائی تباری ترکی – اوغوزی بود.

[Гафуров 1958: 51 – 55; Негматов 1977: 18; Mercil 1994: 253],

هرگاه اگر، بهرام چوبین از میان دودمان اولیه اوغوز های ایرانی تبار خراسان بر خاسته باشد، در آنصورت سامان خودات از زمره نوادگانی شمرده میشود که در اثر وصلت با ملکه ترکی آنانیکه با شهر فرغانه مناسبات قرابتی داشت بدنیا آمده است.

گفتنی است که سامان خودات از طریق مادری (از طریق ایل تیگین، پرمودا یا نیلی)، ایل ارسلان (ساوا شاه و یا شیر کشور) و تردو خاقان (قاره چورین ترک) با سلسله ساسانیان و بطور اخص با خسرو 1 انوشیروان شهنشاه ساسانی مناسبات قرابتی (خویشاوندی) داشت. اما پدرش جبهه خان که در مراحل قبل از اسلام منحیث زمامدار بلخ ایفای وظیفه مینمود دارای القاب ترکی یابگو (جبگو) و نام ترکی طغرل بود. گفته شده است که مقر زمامداری جبهه خان در قسمت شمال غربی ارک بلخ، جائیکه قریه ای متعلق

به پسرش بنام "قریه سامان" در آن اعمار گردیده بود موقعیت داشت. لازم به یادآوریست که جبهه خان بمثابه بنیان گذار و مؤسس آبدیه بودائی نوبهار شمرده میشود، جائیکه کشیشان عالی برمکی نیز

در امورات مذهبی از آبدیه مذکور استفاده میبردند. در سال 90 هجری مطابق به سالهای 708-709 میلادی، بعد از استیلا شهر بلخ توسط مهاجمین عرب تبار، آتشکده نوبهار تخریب، وجبهه خان اجبارا راه ترکستان در پیش گرفت و معروف ترین شهر چاچ یعنی شهرک "کنکا" را که در آن هنگام در اختیار

ترکان قرار داشت به تصرف در آورد. بدین ترتیب از مخاصمت با عربها که در جنگهای سال 134 هجری مطابق به سالهای 751-752 رود "تالس" بالای چینی ها تفوق حاصل نموده بود دوری جست. در چنین وضعیت سامان خودات از فرغانه وارد شهر مرو گردیده بکمک طاهر ابن الحسین که از زمره موسسین سلسله طاهری شمرده میشد بدین اسلام مشرف گردید. اما یاد آور باید شد که سامان خودات نیز مانند نیاکانش جببه خان و برمکیان، قبل از پذیرش اسلام از آئین بودائی و مانوی پیروی مینمود. بدین سبب او دارای اسم ترکی "ارکوک" و اسم مانوی- بودائی "سامان" بود.

حسب عنعنه های ترکی وی موهایش را بافته و بشکل گیسوان دراز باقی میگذاشت. روی همین علت او را "کاکلدار" نیز مینامیدند. از جانبی او نیز مانند جدش جببه خان دارای عنوان یابگو (جیگو) بود، عنوانیکه بمتابه القاب فامیلی زمامداران ترک تبار تخارستان شمرده میشد.

گفته شده است که سامان خودات(سامان یابگو) قراء متعددی را در نواحی مختلفه تخارستان منجمله نواحی ترمیز، ختلان، و سمنگان که بعد ها بنام خودش مسمی گردید بنا نهاد. بنا میتوان اذعان داشت که موصوف نه تنها بنیان گذار قریه "سامان"، بل مانند جدش ایل تیگین و پدرش جببه خان بنیان گذار تعدادی از آبادات مانوی و بودائی نیز شناخته میشود.





Джнк каган, Исфазан, ок. 616 г. н.э., медальон, серебро.



Тун Ёабгу-каган, Кундуз, ок. 625 г. н.э., медальон, серебро.

1. تصاویر بالائی: میدالیون نقره ای جک خاقان، اصفهان ، حدود سال 616م.

2. تصاویر پائینی: میدالیون نقره ای تون یابگو خاقان . حدود سال 625م.

پاورقیها

135. دستنویس هذا در یکی از دیوارهای تاریخی کمپلکس قیرق قیز (چهل دختران) (قرون XI – XII) شهر ترمیز جمهوری اوزبیکستان کشف و در کتابخانه شخصی رئیس مرکز بین المللی علمی- تاریخی "قیرق قیز" واقع شهر تاریخی خواجه مشکوروف (ترمیم) محافظت میگردد. لازم به یادآوریست که معلومات در باره دستنویس هذا توسط همکار اداره، آقای ای.ان جلال الدین میرزا ارائه شد که از ایشان اظهار امتنان میگردد.
136. در آستانه سالهای صفری در قبور مربوط به هونها در کشور مغلستان موهای قطع شده ای بدست آمد که نشانه واضحی از یک ماتم میتواند باشد.
- مراجعه شود: Альбаум, 1975, с. 30.
137. یکی از تصاویر اولیه ترکان که حاوی گیسوان تابیده و پیچانیده شده اند در مهر ساسانیان قدیم (ساسانیان اولی) متعلق به قرون IV – III، مهر هائیکه از قریه "جیغه تپه" کشف و بدست آمد بمشاهده رسیده است.

[Кругликова 1984: 141].

138. بنا به قول ژوان زنگ (سوان سزان) سیاح و زیارتگر چینی، وی هنگام عزیمت به شهر "سوئی" (سویاب) خاقان ترک را که مصروف شکار بود، دیده است.
- وی علاوه مینماید که خاقان مذکور دارای لباس پشمی و گیسوان بافته بود و بیشتر از دوصد تن از "داگان" ها (ترخان ها- یکی از القاب متعلق به نجباء ترکان قدیم) اورا همراهی مینمود. گفته شده است که باشندگان شهر گاوچانگ Gaochang (ترخان) نیز طی قرن ششم دارای گیسوان بافته بودند.

[Julien 1853: 55 – 58.; Зуев 2002: 263 } [Гаочан 2003: 20].

- از جانبی بنا به قول چان – چونگ Chang Chun (Qiu Chuji) (سال 1221م) زمامداران ترک تبار سمرقند نیز در تفاوت از سائر متعلقینش از عنعنات ترکی پیروی مینمود، یعنی ایشان نیز دارای گیسوان بافته بود.

[Сухарева 1954: 333].

139. رجوع شود:

ЖДП: табл. X, объект 1; табл. XII; табл. XX, объект 2; табл. XX, объект 2;
табл. XXXVI, объект 6; табл. XXXVII, объект 6; табл. XXXIX; Дьяконов

1954: 83 – 158 (табл. VI, XVII, XXII, XXVI, XXIX, XXXIII, XXXIV, XXXV, XXXVI – XXXIX);

هكذا منبع تصویری بنام:

"اشراف و اعیان ترکی"

– Западная стена, табл. VIII, деталь 2; табл. IX, деталь 3; табл. X, деталь 1; табл. XII.

140. تصاویر جنگ آوران گیسو دار ترکی (عساکر ترکی) در تابلو های استخوانی رزمگاه های قرون هفتم و هشتم نیز حک گردیده است. چنانچه تصاویر مشابه از ناحیه قچقار متعلق به محله سیتی بولاق City-Bulak جمهوری قیرغیزستان هكذا تصاویر صخره ای "آلتای" کشف گردید.

[Табалдиев 2005: 305 – 310], [Черемисин 2005: 251 – 258]

[Артамонов 1962: 210; Esin 1965: 214].

141. گفتنی است که گیسو یا گیسوان در بسیاری از مجسمه های سنگی ترکان قدیم که بنام بالبالها balbals نامیده میشدند وجود داشته است.

در قریه "قره بولاق" واقع حومه شرقی شهر فرغانه مجسمه های برنجی انسانهای گیسودار با موهای افتاده به عقب بدست آمد. هكذا در قریه "آق تپه" واقع جوار شهرک جر قورعان، سر (کله) بتی با چهره (رخسار) کروی (گرد) و گیسوان دراز کشف گردید (متعلق به قرون VI - VII)

[Памятники 1983: 35 (№ 69)]; [Ртвеладзе 1989: 69].

142. گیسوان مردانه به این نامها مسمی بود.

išin, örgüç, örmä saç, örüg saç, tulum [ДТС: 215, 388, 389, 391; TT: 205],

ašim čač, örüg, kajägä,, kijägä, kärägä [Радлов I: 910, 1061, 1150, 1224, 1343].

143 در نتیجه استیلا عربها، و در اثر مهاجرت های اجباری ساکنان بومی در خارج از محدوده خلفای عرب، هكذا سرازیر شدن تعداد کثیری از طوایف عرب و ایرانی، شرائط اتنیکی آسیای میانه که تا این دم در ترکیب خاقانات ترکی شامل بود متحول گردید. بر مبنی گواهی اسناد تاریخی طی قرون IX - X ترکها، و سغدی های ترکی شده، هكذا خوارزمیان و تخارستانیان تشکیل دهندگان هسته های اصلی و اساسی ساکنان آسیای میانه شمرده میشدند.

[Ibn Haukal: 464 – 465].

لینک های اضافی (علاوه گی) که بکمک انها میتوان در باره نامهای ذکر شده در ین باب، معلومات آفاقی بدست آورد. (البته اینها شامل بحث کتاب هذا نمیباشند.)

- <https://www.google.se/webhp?sourceid=chrome-instant&ion=1&espv=2&ie=UTF-8#q=%D0%B8%D0%BD%D1%8C%20%D1%8F%D0%BD%D1%8C>
- https://www.google.se/search?q=%D0%B8%D0%BD%D1%8C+%D1%8F%D0%BD%D1%8C&espv=2&rlz=2C1KMZB_enSE0536SE0536&biw=1366&bih=661&tbm=isch&tbo=u&source=univ&sa=X&ved=0ahUKEwjC1a2K8vPNAhVLiCwKHU5AD34QsAQIiw
- https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%98%D0%BD%D1%8C_%D0%B8_%D1%8F%D0%BD
- https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%8C%DB%8C%D9%86_%D9%88_%DB%8C%D8%A7%D9%86%DA%AF
- https://en.wikipedia.org/wiki/Yin_and_yang

درباره عصر ین یا ین- یانگ

- <https://www.google.se/search?q=%D0%B3%D0%B0%D0%B4%D0%B0%D1%82%D0%B5%D0%BB%D1%8C%D0%BD%D1%8B%D1%85+%D0%BD%D0%B0%D0%B4%D0%BF%D0%B8%D1%81%D1%8F%D1%85&espv=2&biw=1366&bih=661&site=webhp&tbm=isch&tbo=u&source=univ&sa=X&ved=0ahUKEwjv7Pfe7vPNAhVCFSwKHQM1ACQQsAQIVQ>
- http://www.synologia.ru/a/%D0%93%D0%BE%D1%81%D1%83%D0%B4%D0%B0%D1%80%D1%81%D1%82%D0%B2%D0%BE_%D0%A8%D0%B0%D0%BD_%D0%B2_%D0%BD%D0%B0%D0%B4%D0%BF%D0%B8%D1%81%D1%8F%D1%85_%D0%BD%D0%B0_%D0%B3%D0%B0%D0%B4%D0%B0%D1%82%D0%B5%D0%BB%D1%8C%D0%BD%D1%8B%D1%85_%D0%BA%D0%BE%D1%81%D1%82%D1%8F%D1%85

درباره کتیبه استخوان اوراگل

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%96%D1%83%D0%BD>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Xirong>
- https://www.google.se/search?q=%D0%B6%D1%83%D0%BD&espv=2&rlz=2C1KMZB_enSE0536SE0536&biw=1366&bih=661&tbm=isch&tbo=u&source=univ&sa=X&ved=0ahUKEwiRisGO9fPNAhWlJZoKHeJsCloQsAQIKg&dpr=1

درباره قبیله ژون یا رونگ

- https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%94%D0%B8%D0%BD_%D0%9B%D0%B8%D0%BD
- https://en.wikipedia.org/wiki/Ding_Ling
- https://www.google.se/search?q=%D0%B4%D0%B8,+%D0%B4%D0%B8%D0%BD-%D0%BB%D0%B8%D0%BD&espv=2&rlz=2C1KMZB_enSE0536SE0536&biw=1366&bih=661&tbm=isch&tbo=u&source=univ&sa=X&ved=0ahUKEwivk8-f-PPNAhVjP5oKHY_ICGgQsAQINg&dpr=1

درباره قبیله دی- دین- لین

- <https://www.google.se/search?q=%D0%BA%D0%B0%D0%BB%D0%BC%D1%8B%D0%BA&espv=2&biw=1366&bih=609&site=webhp&tbm=isch&tbo=u&source=univ&sa=X&ved=0ahUKEwjQzZHXyPXNAhWmF5oKHdBHBHEQsAQIKQ>
- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9A%D0%B0%D0%BB%D0%BC%D1%8B%D0%BA%D0%B8>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Kalmyks>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%88%D9%82%E2%80%8C%D9%87%D8%A7>

درباره کالموکها (قالموقها)

- https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%92%D0%B7%D1%8F%D1%82%D0%B8%D0%B5_%D0%B3%D0%BE%D1%80%D1%8B_%D0%9C%D0%B0%D0%BA%D0%BE%D0%B2%D0%BA%D0%B0

درباره مکوفکه.

- [https://en.wikipedia.org/wiki/Arsacid_Dynasty_\(disambiguation\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Arsacid_Dynasty_(disambiguation))
- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%90%D1%80%D1%88%D0%B0%D0%BA%D0%B8%D0%B4%D1%8B>

در بار ارشاکید های ماساگیتی (ماسا گیتها).

- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%B1%D8%AE%D8%A7%D9%86>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Tarkhan>
- [https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%B0%D1%80%D1%85%D0%B0%D0%BD_\(%D0%B7%D0%B2%D0%B0%D0%BD%D0%B8%D0%B5\)](https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%B0%D1%80%D1%85%D0%B0%D0%BD_(%D0%B7%D0%B2%D0%B0%D0%BD%D0%B8%D0%B5))

درباره داگان (ترخان)

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A7%D0%B0%D0%BD-%D1%87%D1%83%D0%BD%D1%8C>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Qiu_Chuij

درباره چانگ – چونگ